

ضرورت تصریح نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی است که پس از انتشار پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظر اصولی خود را درباره این قانون اعلام کرد. این حزب در عین حال نخستین سازمان سیاسی است که خطوط عمده نظرات اصلاحی خود را، طی نامه سرگشاده ای در معرض قضاوت دولت موقت و افکار عمومی قرار داد. و این از جانب کمین ترین و پایدارترین حزبی که پیوسته در راه استقلال و آزادی میهن عزیز ما ایران و در راه احقاق حقوق اکثریت مستبدین مردم، در یک کلام علیه امپریالیسم جهانی و عمال داخلی آن و در راه حقوق و آزادی های دموکراتیک مبارزه می-امان کرده و هزارها قربانی داده است، امری است کاملاً طبیعی و قابل درک. در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران فقط به موارد و مسائل عمده ای که بنظر حزب توده ایران تصریح آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضرورت حیاتی دارد، اشاره شده است، اینها مسائلی هستند که هدف های عمده انقلاب بزرگ مردم قهرمان ایران را تشکیل میدادند و اکنون که مرحله اول انقلاب، یعنی مرحله تخریب و کوبندگی به پیروزی های چشمگیر رسیده و دوران سازندگی آن آغاز گردیده است، این هدف ها باید بمثابه دستاوردهای عمده انقلاب در قانون اساسی، با قانون قانون ها، از لحاظ حقوقی تثبیت گردد، تا راهنمایی برای ابتکار و سازندگی مردم ایران، رهنمودی برای وظایف دولتی که بر سر کار می آید، تصمیمی برای پیشگیری از انحراف از هدف ها و آرمان های ولای انقلاب و تکیه گاهی قضائی برای مبارزه با دشمنان انقلاب باشد.

مادر اینجا به تشریح بخشی اول اصلاحات پیشنهادی حزب، که در واقع شاخص و تعیین کننده نظام اقتصادی-اجتماعی جامعه است که تمام مبارزان اصیل و راستین انقلاب بنیانگذاری آنرا در شرایط کنونی هدف خود قرار داده بودند، بپردازیم. تصریح و تثبیت نظام اقتصادی در قانون اساسی ضرورت حیاتی دارد. این ضرورت از آنجا ناشی میشود که هدف انقلاب ایران، ایجاد یک جامعه توحیدی، یعنی جامعه ای که بتدریج باید به وحدت مادی و معنوی برسد و استثمار فرد از فرد در آن برافند، اعلام شده است. و بطوریکه تجربه زندگی طی قرون و اعصار نشان داده، پراکندگی مادی و معنوی و وجود استثمار و استثمار از چگونگی نظام اقتصادی-اجتماعی ناشی میشود. اگر نظام اقتصادی راه را بر تمرکز و تکثیر بپند و بار گزیرد درست عده معدودی هموار سازد، این امر باعث تمرکز قدرت (اعم از قدرت سیاسی، نظامی، امنیتی و...) در دست این عده قلیل خواهد شد. با افزایش تراکم زر و زور در یک قطب، فقر و استثمار در قطب دیگر با تضاد هندسی افزایش خواهد یافت و انقلاب از هدف اصلی خود، یعنی ایجاد جامعه توحیدی، منحرف خواهد شد. به همین دلیل حزب توده ایران باین صریح و دقیق آن نظام اقتصادی را که راهگشا و زمینه ساز برای لیل به آرمان توحیدی جامعه ما است، در قانون اساسی ضرورت حیاتی میداند. این نظام، بطوریکه در پیشنهاد اصلاحی آمده است، از لحاظ اقتصادی، با دقیق تر از نظر چگونگی و شکل مالکیت بر سه ستون یا سه پایه استوار است: ۱- مالکیت دولتی یا مالکیت عموم خلق، که بر پایه آن بخش دولتی بوجود می آید؛ ۲- مالکیت تعاونی یا مالکیت گروهی، که بر پایه آن بخش تعاونی ایجاد میگردد؛ ۳- مالکیت خصوصی یا مالکیت فردی، که بر پایه آن بخش خصوصی تشکیل میشود.

بقیه در صفحه ۴

به یاد رفیق شهید هوشنگ تیزابی



روز پنجشنبه هفتم تیرماه ۱۳۵۸، ساعت ۶/۵ بعد از ظهر در زمین چمن دانشگاه صنعتی مراسم بمناسبت ششمین سالروز شهادت قهرمان سوده ای، هوشنگ تیزابی برگزار خواهد شد. از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب و از همه عناصر میهن پرست، آزادیخواه و مترقی دعوت میشود که در این مراسم شرکت کنند. دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در صفحات بعد:

- چه محافل شاه مخلوع را به صحنه می آورند و هدفشان چیست؟ صفحه ۶
- استقلال ایران ایجاب میکند که قرارداد ۲ جانبه نظامی با آمریکا فوراً لغو گردد. صفحه ۴
- محور مرکزی داوری درباره افراد و جمعیت ها... صفحه ۲
- افسانه دهنه شرق و نه غرب... صفحه ۶
- ۲ برداشت متناقض از مسأله مهم نقش ارتش و نحوه نوسازی آن... صفحه ۳

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۱
دوشنبه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

قطعه نامه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، جریان مصاحبه رفیق ایرج اسکندری را با مجله تهران-مصور (مورخ ۲۵ خرداد و اول تیر ۱۳۵۸) مورد بررسی قرار داد و به اتفاق آراء به نتایج زیرین رسید:

- ۱- نوشته مجله تهران-مصور که بنام مصاحبه با رفیق ایرج اسکندری انتشار یافته، حاوی مطالبی است متناقض با سیاست حزب، تحریفی است در تاریخ حزب و جنبش انقلابی ایران، توطئه ای است برای پائین آوردن جمعیت و اعتبار حزب ما.
- ۲- رفیق اسکندری در مصاحبه ای که با روزنامه مردم کرده است. در مورد این تحریفات موضعگیری روشن خود را بهان خواهد کرد.

مصاحبه «مردم» با رفیق ایرج اسکندری

روزنامه «مردم» برای روشن ساختن تحریفات مجله تهران-مصور، مصاحبه ای با رفیق ایرج اسکندری بعمل آورد، که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

س - در مورد اتهام وابستگی که به حزب توده ایران زده میشود، نظر شما چیست؟

ج - این ادعا از بنیاد نادرست و مفرضانه است. اتهام وابستگی حزب ما به اتحاد شوروی تازگی ندارد. این تهمت است که به همه احزاب طبقه کارگر در جهات از طرف ارتجاع و امپریالیسم زده میشود و برای حزب ما هم نوبت نیست. اتهام وابستگی بر اساس مقله ای استوار شده است که خصلت انترناسیونالیستی حزب طبقه کارگر را با تبعیت از حزب یا دولتهای سوسیالیستی مخلوط میسازد و چنین وانمود میکند که گویا ابراز همبستگی برادرانه و متقابل نوعی وابستگی به سیاست حزب یا دولت دیگر است. بر اساس این مقله است که دائماً از جانب دشمنان و مخالفان حزب، خصلت مستقل و ملی حزب توده ایران نفی میشود. اصولاً وحدت ایدئولوژی موجب هم فکری در یک رشته بقیه در صفحه ۴

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی است که درباره پیش نویس قانون اساسی اظهار نظر کرده.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، اصلاحات مورد پیشنهاد خود را درباره پیش نویس قانون اساسی، در تاریخ دوم تیرماه ۱۳۵۸، کتباً و رسماً به اطلاع نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران رساند. کمیته مرکزی حزب توده ایران اظهار نظر خود را درباره

دشواری های شگرف سالم سازی جامعه ما

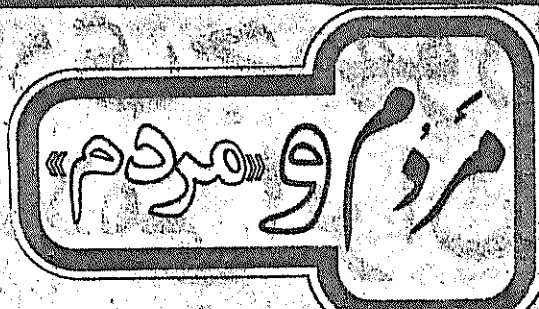
بسوی کدام راه رشد؟
با تکیه کدام نیروی اجتماعی؟

رژیم استبدادی و دست نشانده محمد رضا پهلوی و پدرش رضا پهلوی ارتبه سنگینی برای جامعه پس از انقلاب باقی گذارده است. گرانباری و نحوست این ارتبه بویژه طی بیست و پنج سال اخیر حکومت سلطنتی - فاشیستی و نواستعماری محمد رضا پهلوی بر مراتب و مراتب بیشتر از گذشته شده است. انقلابیونی که این رژیم را با سهولت نسبی بر انداختند، اینک برای نوسازی جامعه، سالم سازی اقتصاد و سیاست جامعه، پادشوارهای عظیمی رو برو هستند تا سرانجام قادر شوند تثبیت فونی بسود اکثریت محروم جامعه بپدید آورند. اینکار به تلاش نه فقط عظیم، بلکه فوق العاده سنجیده ای نیازمند است. اینکار روندی است پرفراز و نشیب که هنوز باید از مراحل و مدارج مختلف فشر بندی و نبردهای درونی بگذرد.

از آنجا که جامعه ایران در زمان پهلوی در مسیر یکنواختی نداشت، یعنی در مسیر رشد ملی و ضد دموکراتیک، و اکنون باید به مسیر متقابل آن، یعنی به مسیر ملی و دموکراتیک منتقل شود، حتی در صورتی که نیروهای صالح برای عمل، اهم امور را در دست گیرند، باز ناسمجیدگی و شتاب کاری نمی تواند بقیه در صفحه ۴

اصول سیاست خارجی دولت موقت ناروشن است

سیاست خارجی را «حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و ایجاد دوستی با تمام کشورهای در جامعه بشری» و نیز «توسعه کشور» اعلام میدارد. کدر همین صفت، ناقص است. ناقص است، بدلیل اینکه دوستی با تمام کشورها می بایستی بر اساس برابری حقوق، احترام متقابل و سود متقابل باشد و الا رژیم پهلوی هم با ایالات متحده آمریکا «دوست» بود. ناقص است، همچنین بدلیل اینکه، ذکر از مبنای و هدفهای بسیار مهمی، مثلاً نظیر صلح، صلح منطقه ای و جهانی نشده است. پس از بیان مبنای و هدفهای سیاست خارجی، آقای دکتر یزدی سه اصل مبتنی بر این مبنای و برای رسیدن باین هدفها ذکر میکند، اصل اول، سیاست خارجی مستقل، عدم تمهد بقیه در صفحه ۵



محور مرکزی داورى در باره افراد و جمعیتها

موضوع گیری اجتماعی و تاریخی اساس است نه حسن نیت یا دعاوی پر طنین یا مختصات فرعی دیگر

آلتی در دست بهره کثافت برای آزاد انقلابیون واقعی است. در اینجا تفاوت عینی و ذهنی مطرح است، ذهنی، یعنی آنچه که در ضمیر و آگاهی شما می گذرد و شما آنطور فکر می کنید، آنطور تصور می کنید. عینی، یعنی آنچه که مستقل از اراده و اندیشه شما، در سیلاب جوشان و پیر توان تاریخی، بسوی که مجموعه قوانین تکاملی آن می طلبد، می رود و با شرایطی به ذهنیات شما ندارد. ذهنیات شخص تنها جوی باریکی است که در این شط خروشنده فرو می ریزد، و ابتدا قادر نیست مسیر این شط را تعیین کند.

به همین جهت شخص از جهت سیاسی، با طرف باشد یا بپطرف، در متن باشد یا در حاشیه، بناچار منشا عمل اجتماعی معنی است که از آن تصور دلخواهی در ذهن خود دارد، از خودش را می آید. برای عملش توجه های «فلسفی» می تراشد. ولی باید دید که واقعا این انسان، با مجموعه عملش از کدام يك از جنبه های نیرومند و تاریخی است؟ توجه گری و فلسفه او، مطلب را حل نمی کند. مطلب زمانی حل میشود که ما بیستیم در جامعه چه نبردی می گذرد و ما در این نبرد چه کاره ایم، چگونه وظایف انسانی و ایرانی خود را انجام میدهم، بکدامین سو میرویم، یا که هستیم و با کجاستیم؟ چرا هستیم و چرا نیستیم؟

این موضع گیری مطلبی است مشخص، درازمنه و امکانی مختلف، موضع گیری بسود حق، مختلف است. اگر شما عضو جامعه شوروی هستید موضع بسود حق (یعنی بسود تکامل سال- اجتماعی) طوری است و اگر عضو جامعه امریکا هستید، این موضع طور دیگری. اگر در ایران دوران مشروطیت بودید، این موضع گیری طوری بود، اگر در ایران دوران کنونی هستید، این موضع گیری طور دیگری.

تمام اشکال در این تشخیص است که تنها و تنها از طریق تحلیل علمی (وضع جهان و وضع ایران) می توان بدان رسید. ما افراد را از جهت مورد بررسی قرار میدهم، ابتدا و مقدم بر همه از جهت موضع گیری سیاسی - اجتماعی آن فرد سپس از جهت مختصات فردی انسانی او.

البته برای ما مختصات فردی و انسانی ابتدا بی تفاوت نیست. ما میدانیم که در موضع گیری های مختلف سیاسی، میتوان با انسانهای صدیق و شریف برخورد کرد. ولی ما میدانیم که این انسانهای صدیق و شریف، اگر در موضع باطل اجتماعی قرار گرفتند، اگر بموقع، خود را از گمراهی نرها نندند، بهمراه هم صفان و همردگان خود، به اعمال نادرست و فسادات نادرست نگاه بسیار منفی مجبور میشوند. به همین جهت است که در آغاز مقاله گفتیم، محور مرکزی داورى درباره افراد و جمعیت ها، مبنای سیاسی و اجتماعی آنهاست، نه حسن نیت و یا صداقت، امری که بخودی خود در حد خود با ارزش است و نباید آنرا نادیده گرفت.

محور مرکزی داورى درباره افراد و جمعیتها - مبنای سیاسی اجتماعی آنهاست، نه حسن نیت و صداقت آنها. حسن نیت و صداقت صفات مثبت و ضروری است، ولی اگر این حسن نیت و صداقت با انتخاب راه درست اجتماعی، سمت گیری درست تاریخی، جانبداری از نیروهای که نقش آنها از جهت تاریخ مشخص، نقش مترقی و مثبتی است، مبارزه با نیروهای که نقش آنها از جهت تاریخ مشخص نقش ارتجاعی و منفی است، همراه نباشد، نه فقط سود نمی رساند، بلکه بیشتر مایه گمراهی میشود.

می گویند، «جهنم را بنا حسن نیت مفروش کرده اند». این سخن حکیمانه دارای مفهوم عمیقی است. ای چه بسا افسانه های باک، نیک، با حسن نیت، صدیق که در جامعه بدنیال آن مشی ها، آن طبقات، آن ارزشهای اجتماعی رفته اند که آنها را بناچار، بناگزیرو بچنان سقاقتها یا قیاحتها کشانده است که خودشان هم هرگز تصورشان را نمیکرده اند.

در دادرسی جنایتکاران اجتماعی (مانند دادرسی نورنبرگ) یا حتی دادرسی های پس از انقلاب اخیر در ایران، اگر چه بندرت، به افرادی برخورد میکنیم که تصور میکنند دارند به «میهن» و «پیشوا» خدمت می کنند و زمانی از خواب گران پندار باطل خود بیدار شده اند، که دیگر دیر بود. آنها علی رغم باور خود، در کشتی نادرستی نشسته و به ساحل لغت و نکت رسیدند.

منظور از مبنای اجتماعی سیاسی آنست که ما در عمل اجتماعی خود (حتی اگر «بطرف» هم باشیم، مجال است که فاقد عمل اجتماعی باشیم) در کدام سمت قرار داریم؟ یا که هستیم؟ چه چیزی برای جامعه می خواهیم؟ خواستار خیر کدامیک از طبقات جامعه هستیم؟ در عرصه جهانی می خواهیم یا که باشیم؟

اکنون جهان و اجتماعات جداگانه هر کشور، که دارای نظام طبقاتی است، تقسیم شده است. اردوگاه امپریالیسم و اردوگاه ضد امپریالیسم در عرصه جهان، انبوه زحمتکشان بهره ده و قشرهای ممتاز بهره کش در عرصه جوامع سرمایه داری از نوع جامعه ما، مرزهای عمده این تقسیم هستند. ما با امپریالیسم هستیم یا با ضد امپریالیسم؟ با بهره دهان هستیم یا با بهره کشان؟ و آیا در هر مورد، آن خط محکم و صحیح را، که مارا، «آهسته، آهسته»، از درون این جبهه بدرود آن جبهه نلفزاند، گزین کرده ایم؟

ای چه بسا که شخصی (مانند برخی «سوسیال دمکراتها»ی اروپای غربی) تصور می کند، راه مبارزه با بهره کشی را بر گزیده، ولی عمل اجتماعی بطور عمده به تهیه نظام بهره کشی کمک می کند. یا مانند آنارشیست های نو که تصور می کنند که «انقلابی ترین» و «شمله رترین» شمارها را علیه نظام ستم و غارت انتخاب کرده، ولی در آخرین تحلیل

در شرایط کنونی انقلاب ایران که بر انداختن نهایی استثمار مطرح نیست، دولت باید ضمن محدود کردن رشته های فعالیت این بخش (دامنه این محدودیت بر حسب مالکیت دولتی و تا حدودی تعاونی تعیین میشود) و جلوگیری از تمرکز شدید وسایل تولید در آن، از امکانات خود برای حمایت از این بخش در برابر رقابت های خارجی استفاده کند و با اعطای کمک و ایجاد تسهیلات لازم، بخصوص به واحدها و رشته های کم بنیه و گزین پذیر آن، این بخش را یاری رساند. این سه بخش، به نایب سه رکن اقتصاد کشور، باید پیوند ارگانیک داشته باشند. آنها باید مکمل یکدیگر باشند، میان آنان تقسیم کار، مبادله کالا، روابط پولی، تبادل تجربه برقرار شود.

طبیعی است که در میان این سه بخش برتری با بخش دولتی است. بخش دولتی با در دست داشتن مهمترین رشته های اقتصادی و بزرگترین بخش درآمد ملی، با استفاده از اهرمهای نیرومند پولی، ارزی، مالیاتی، بانکی و غیره میتواند و باید دو بخش دیگر، بخصوص بخش خصوصی، را در جهت هدف های ملی سوق دهد و هر سه بخش را در خدمت خلق قرار دهد.

اقتصاد پیچیده و بفرج دوران معاصر، زمانیکه هر رشته، ولو کوچکترین آن، بطور مستقیم و یا غیر مستقیم، پس از طی حلقه های پر شمار واسطه، در تمام رشته های دیگر اقتصاد تأثیر دارد، زمانیکه هماهنگی در میان رشد واحدها و رشته های گوناگون تولیدی، میان فعالیت های تولیدی و بازرگانی و بانکی و حمل و نقل و ارتباط، هماهنگی میان رشد مناطق مختلف کشور، میان روستاها و شهرها و... از شرایط اولیه و ضرور پیشرفت سالم و مداوم و بدون رکود و بحران است، اداره و رهبری اقتصاد ملی، بدون تنظیم و اجرای برنامه های علمی غیر ممکن است. برای اینکه تنظیم و اجرای اینگونه برنامه ها بر اصول علمی و پایه های عینی متکی باشد، رعایت مانی دموکراسی از یکسو و اصول مرکزیت از سوی دیگر از واجبات است. در تنظیم و اجرای برنامه های اقتصادی، که بر حسب رهنمودهای کلی دولت مرکزی، متناسب با شرایط و نیازهای زمان انجام میگردد، باید تمام واحدهای اداری و تولیدی و اقتصادی کشور بطور جمعی و در تمام سطوح شرکت مستقیم و فعال داشته باشند.

بقیه از صفحه ۱ ضرورت تصویب نظام...

این سه نوع مالکیت و بخش های ناشی از آنها ساخته ذهن لیستند، بلکه عملا و بطور عینی در طول تاریخ وجود داشته و در جامعه کنونی مابهم وجود دارند. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، شکل این مالکیتها و بخشها نیست، بلکه مضمون و محتوی آنها، حد و مرز آنها، نقشی و هدف آنها، چگونگی ارتباط و پیوند آنها و مسیر تکامل آتی آنها است.

در دوران رژیم پهلوی مالکیت بخش دولتی از سوئی در خدمت منافع امپریالیسم جهانی و بخصوص امپریالیسم امریکا بود و از سوی دیگر برآورنده نیازهای آزمندانه شاه و خاندان او و اعوان و انصارش. در این دوران سه بخش خصوصی سرپوشی بود که به «مالکیت» مشتی دزد و فاسد بمنظور چپاول مردم جامعه تقدس می پوشانند. بدل و بخش های سخاوتمندانه از بودجه دولت، معافیتها و تسهیلات مالیاتی و اعتباری، معاملات و مقایسه های کلان پرسوده همه و همه، در ظاهر بنام بخش خصوصی و در عمل در اختیار گروه کوچکی غارتگر، که در آستانه انقلاب و پس از آن با گروتهای بادآورده از کشور گریختند، گذاشته میشد. بخش تعاونی هم با برزوی کاغذ بود و یا وسیله ای برای غارت زحمتکشان.

در جامعه پس از انقلاب ایران، این سه بخش باید نقشی کاملاً دیگری ایفاء کنند. بخش دولتی باید تمام رشته های حیاتی اقتصاد و منابع طبیعی کشور را در دست گیرد. بودجه دولتی و مالکیت دولتی، برخلاف گذشته، باید فقط در خدمت عموم خلق باشد. بخش تعاونی که بر پایه مالکیت گروهی بر وسایل تولید و محصول کار بوجود می آید، شامل تعاونی های تولید و مصرف در شهرها و روستاها میشود. تعاونیها باید بر اصول داوطلبی بودن، همکاری متقابل و منافع مشترک اعضاء آن استوار گردند. دولت باید برای توسعه و تقویت این تعاونیها امکانات مادی، مالی، فنی و آموزشی لازم در اختیار آنها بگذارد. بخش خصوصی، که پایه آنرا مالکیت فردی تشکیل

نامه ها، بلکه به «مردم» می رسد، نشانه توجه کامل و دقیق خوانندگان ما بمطالب مندرجه است. این بسیار باعث خوشوقتی است. چرا که ما شاهدیم مردم با چه حس مسئولیت و با چه برخورد جدی و دقیقی «مردم» را مطالعه میکنند و بحق از آن میخواهند که هر چه کمتر اشتباه کند، هر چه دقیقتر بنویسد، اخبارش هر چه موقتر باشد و غلط چاپی هم هر چه کمتر داشته باشد. زیرا که بنوشته یکی از دوستان: «همه کس روی کلمه به کلمه «مردم» حساب میکند». درست برای شناختن و دانستن و دشمن بسرای خرده گیری و نفاق افکنی.

دوستان در نامه خود تذکر میدهند که، خبر شماره ۲۳ «مردم» درباره شرکت مناقصه کار دقیق نیست، باین معنا که، نام شرکت «دارک پیروز» است نه «پیروز» و مناقصه هم مربوط به نیروی زمینی است، نه دریایی.

تلاش، درباره ارقام متفاوتی که در مورد سالروز شهادت رقی بر وزیر حکمت جو ذکر شده - جایی شش و جایی پنج سال گفته شده - و همچنین نوشته روزنامه اطلاعات که مدت زندانی رفیق شهید را بحای ۹ سال ۲۳ سال نوشته، تذکراتی داده است. تفاوت بین پنج و شش نانی از آن بوده که، گذشت پنجسال تمام را گاه ششمن سال بنامند و حتی در مورد سن افراد نیز معمولاً این دو گانگی برداشت وجود دارد. البته درست و دقیق آنست که گفته شود پنجمین سالروز، یعنی پنج سال تمام آنرا بنگام گذشته است. در مورد «اطلاعات» هم ذکر آن رقم، اشتباهیست که از جانب آن روزنامه رخ داده است.

دو دوست دیگری در باره خبری از بخش «رویدادهای ایران» در «مردم» شماره ۲۳، ایراد دارد. وی در مورد صحت خبر مربوط به نزول خواران آمل تحقیق کرده و می نویسد که، تهیه کننده لیست خود را «فریاد شهر» می نامد، ولی بنوشته از آن عناصر چپ فاست، نویسنده نامه لزوم تحقیق قبلی و واقف بودن بدستی هر خبری را یادآوری میکند و همچنین ضرورت اقدام عاجل و قطعی درباره ۱۰ الی ۲۰ هزار اصل را، که سالهاست خون مردم را با جنایت آمیز تر و شیوه ها می کشند، خاطر نشان می سازد.

تعمیر و خواننده دیگر «مردم»، پس از درود و ابراز محبت، بازم نکته ایراد در همان شماره ۲۳ خاطر نشان می سازد. در صفحه اول متن شماره نوشته شده است: «اقتدار زحمتکش» یعنی کارگران، دهقانان... ایراد نویسنده نامه آنست که، «طبقه» کارگر درست است و واژه عام «قشر» شامل این طبقه نمیتواند بشود. البته اگر خیلی دقیق و با دیکر بینانه بمطلب بنگریم، باید حتماً بنویسیم، طبقات و اقشار زحمتکش، بینانه بمطلب بنگریم، باید حتماً بنویسیم، عبارت هم پیداست که مقصود همانست که نویسنده نامه نیز متذکر میشود. ما از دقت و تذکر دوست خود منتهی سپاسگزاریم.

روزی ۵۰۰ س. می نویسد، باین دلیل که روزنامه بسیار جالب و دمکراتیکه داریند، بشما تبریک می گویم و سؤال دارم، اول اینکه چرا نماینگاه یادبود شهیدان را زودتر تعطیل کردید؟ البته من قبلاً دیده بودم، ولی میخواستم دوباره ببینم. دوم اینکه چرا شرح حال و مبارزات شهیدان را در زمان حیاتشان چاپ نمی کنید؟ سوم اینکه چرا لیست کتابهایی را که حزب چاپ کرده، منتشر نمیکنید؟

اولاً - نماینگاه که نخست قرار بود تا پایان اردیبهشت باشد، بعلت اقبال عمومی تا پانزده خرداد تمدید شد. ولی البته خود روز پانزده خرداد، که مسلماً تعطیل میبایست باشد، ولی قبل از آنهم دو روز قبل مقامات مسئول تالار را خواستند و نماینگاه را بپشت دره و درود شهیدان نیز سعی میکنیم مبارزه آنها را منعکس کنیم. زیرا از همین مبارزه و سراسر زندگی آنهاست که ما می آموزیم. هر قدر اطلاعات ما در این زمینه کاملتر باشد، بهتر و وسیعتر منعکس خواهیم کرد. ثالثاً کتابهایی که حزب توده ایران منتشر کرده، متناسبه در ماههای اخیر مورد سوء استفاده عده ای از نشران فاقد مسئولیت قرار گرفته و بدون اجازه تجدید چاپ و افست شده، که آنگاه مربوط باین مسئله دارد «مردم» منتشر کرده ایم. کتابهایی که از این بجهت توسط انتشارات حزب توده ایران چاپ و منتشر شوند، اگر میکنیم از کمک مالی شما نیز قبلاً تشکر کرده بودیم.

آقای منصور ج. پیشنهاد شما در باره چاپ مقاله ای بهرامون بهمان ساعت ۲ و خواننده عزیز سن ۵۰، درخواست شما در باره چاپ مطالبی در اطراف سخنان وزیر خارجه و مسئله موازنه مثبت و منفی در سیاست خارجی هر دو عملی شده و حتماً مقالات مربوطه را خواهم آورد. درباره این هر دو مسئله بازم خواهیم نوشت.

دو دوست ما تسکین، در نامه خود از وحدت سخن می رانند و می نویسند، اینک ما دوباره با هم در پیشگاه وجدان سراپا بیدار تر بخیم و می بینیم که مبارزه خویش را در جهت آزاد کردن توده های رنجبر از قید ظلم و ستم و استثمار و اسعیداد تا آخرین قطره خونمان ادامه دهیم. ما دوباره قلب خویش را که سالها پذیرای حزب توده ایران بوده به تپشی دوباره و امیداریم و پذیرای تمام قهرمانانی میگردیم که از هر گروه و سازمان و جبهه و حزبی برای تحقق بخشیدن به آرمان مقدس رها می، به ما می پیوندند. بر قرار و مستحکم باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسمی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق. این چند بیت را نیز از شمس «با روشن ترین چشم» که او برای ما فرستاده، نقل میکنیم: ای ستمگینترین واژه / من راه روشن تور امیدوارم / با سرودهای سرخ / با درودهای سبز / را بخانم که این چنین نشاندهام / بر قلبم / ای آزادی / با روشن ترین

اخبار کارگری

اعتصاب کارکنان شرکت حمل و نقل بزرگ ایران پایان یافت

کارکنان شرکت حمل و نقل بزرگ ایران، روز ۲۳ خرداد دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران عبارت بود از دریافت سود ویژه، افزایش حقوق مسکن و خواربار، عیدی و اضافه دستمزد. کارگران از سه ماه پیش این خواسته‌های خود را با کارفرما مطرح نموده، ولی به نتیجه نرسیده بودند. در آغاز، عمال کارفرما سعی در شکست اعتصاب داشتند، که توفیق نیافتند. اعتصاب ادامه یافت و سرانجام نماینده کمیته مرکزی امام خمینی، در محل شرکت حضور یافت و از کارگران خواست، از روز دوشنبه سرکار خود حاضر شوند، و اگر خواسته‌های کارگران را مدیریت شرکت عملی نکند، نماینده دولت اداره امور شرکت را بعهده گیرد و مطالبات کارگران را تحقق بخشد.

کارگران کارخانه «جنرال موتورز ایران» بامبارزه خودبه‌برخی از خواسته‌های خویش تحقق بخشیدند

با تمهیدمدیران خارجی کارخانه، کارگران «جنرال موتورز ایران» توانستند به برخی از خواسته‌های خود در زمینه اضافه حقوق، کاهش ساعات کار، اخراج برخی از رؤسا و تقلیل حقوق مدیران کارخانه، که تا ۱۰ هزار تومان، ماهانه حقوق دریافت میکردند، تحقق بخشند. در حال حاضر کارگران خواسته‌های زیرین را مطرح کرده‌اند:

- ۱- تصفیه کارخانه از همکاران ساواک
- ۲- توجه به خواسته‌های عمومی کارگران

همبستگی کارگران ضامن موفقیت آنهاست

در دنیا اخبار مربوط به تجمع رانندگان و کمک رانندگان وسائط نقلیه، که مدت هشت ماه است عمال بیکار و بیمه بیکارند، اطلاع رسیده است که آقای فروهر، وزیر کار، با تحویل کامیون به سندیکا و از آن طریق به رانندگان موافقت نمود و مقامات مسئول وزارت راه و ترابری نیز به بر کردن فرم‌های و شماره‌دار جهت دریافت کامیون دستور داده‌اند، ولی هنوز از تحویل کامیون خبری نیست. دولت تمهید کرده است که تا روز شنبه ۲۶ خرداد، به رانندگان، که نوبتشان جلوتر است، کامیون تحویل دهد و به دیگران که نوبتشان دورتر است، و ام ماهی ۳۰۰۰ تومان، بپردازد تا بتدریج به آنها نیز کامیون‌تریلی تحویل داده شود.

راننده‌های از نماینده کارگران می‌پرسد، «حال واقعا روز شنبه تمهیدی خواهد گرفت» و نماینده کارگران جواب میدهد: «برادر، انقلاب همین است. هر چه هسته‌تر و متشکله‌تر باشیم و هر چه به نمایندگان منتخب‌مان بیشتر اعتماد کنیم، نتایج بیشتری خواهیم گرفت. ولی واقعا چه کسی میتواند تضمین کند که آقایان مسئولین امر، به کارها رسیدگی خواهند کرد، جز ما و همپشتی ما»

کارگران شرکت اسد خواسته‌های خود را مطرح میکنند

کارکنان و کارگران شرکت ساختمانی اسد، سازنده اتوبان کرج- قزوین، قطعه ۲، پس از مدت ۵ ماه بلا تکلیفی و نگرانی ۲ ماه حقوق، از تاریخ ۵۸/۲/۲۰ شروع بکار کردند و در تاریخ اول خرداد ۵۸، ضمن نامه‌ای به اداره کار شهرستان قزوین، خواسته‌های خود را بشرح زیرین مطرح نموده‌اند:

- ۱- پرداخت حقوق اضافه کار
 - ۲- تعیین مدت مرخصی سالانه
 - ۳- پرداخت حق اولاد، حق مسکن، حق خواربار
 - ۴- تعلیل ساعات کار از ۵۶ ساعت به ۴۸ ساعت در هفته
 - ۵- پرداخت حقوقهای عقب مانده
- کارگران اعلام داشته‌اند که هم‌مدیر شرکت نه تنها تاکنون با خواسته‌های قانونی ما موافقت نکرده، بلکه سرگرم فروش اموال موجود در کارگاه است.

از انتشارات حزب توده ایران: منتشر شد
امیر نیک‌آیین
ماتریالیسم دیالکتیک
و
ماتریالیسم تاریخی
یکصد گفتار برای نخستین
آشنائی با شالوده‌های فلسفه
مارکسیستی - لنینیستی
کتاب دوم
هفتشنبه

دو برابر داشت متناقض از مسئله مهم نقش ارتش و نحوه نو سازی آن

«اصولا در هیچ جای دنیا، چه در کشورهای کمونیستی و چه غیر کمونیستی، اجازه نمیدهند افراد ارتش مادام که مشغول خدمت در ارتش هستند، در احزاب سیاسی شرکت کنند و یا ایدئولوژیهای مختلف سر و کار داشته باشند و دلیل آنهم واضح است (۱) زیرا وقتی اختلافاتی بین احزاب بوجود میاید، و بدلالی ایجاد میکنند که ارتش دخالت کند، ارتش به چند قسمت پاره پاره خواهد شد، چون افراد ارتش صاحب ایدئولوژیهای مختلف هستند، نمیتوانند از وحدت و یکپارچگی، که لازمه وجود ارتش است، بهره برداری کنند... دولت چنین اجازه‌ای به افراد ارتش نمیدهد»

این اظهار نظر را سپس آقای سر تپ رحیمی، فرمانده دژبان مرکز، بشیوه خودش با اصطلاح «پیاده کرده» و در گفتگویی با روزنامه «بامداد» (۲۴ خرداد) گفت:

«بر اساس آنچه که به دادستانی ارتش و سایر مقامات ارتش اعلام کرده‌ام (۱) (ایشان مقام خود را

فرهنگ و بهداشت رشد یافته امروزی شود، نه، امکان نخواهد داد، زیرا سرمایه‌داری دست فارتگران داخلی و خارجی را نخواهد بست، جلوی فرار سرمایه و منز را نخواهد گرفت، جلوی انباشته شدن بازار داخلی از بنگل خارجی را نخواهد گرفت، جلوی اسراف و بیز و بوساش و سفته‌بازی را نخواهد گرفت.

بقیه از صفحه ۱ دشواریهای...

بخشی از این درآمد به واردات کالای واردات ماشینی (فالباً برای موتورهای و نیز وارد ساختن برخی انواع خدمات (نمایندگی‌ها، مدیریت‌ها، کارشناسان، مشورتهای فنی و غیره)، در تهران و برخی شهرهای بزرگ، آنچنان سطح زندگی برای قشرهای فوقانی و متوسط مرفه بوجود آمده، که شایسته زندگی آغشته با محرومیت توده‌ها و ربطی به پایه تنگ تولید وابسته ندارد. انسان از مشاهده این وضع گاه خنده اش میکبرد و گاه دچار وحشت میشود

واقعا «توبخ» خانواده‌های بملوی در خنات و دزدی لازم بود که یک چنین «شاهکار» عظیم گنج‌کننده‌ای را تحویل انقلابیون ایران بدهند. مادیر از تورم سرسام آور دستگاه دولتی، از رشد انگل وار سرمایه‌داری (بشرب سفته‌بازی زمین و خانه و استفاده از وامها و اعتبارات بانکها)، از سطح نازل قضاوت سیاسی جامعه در نتیجه سطره طولانی محیط اختناق و رعب، از ورشکست کشاورزی در ایران، از عظمت و وسعت بی‌رویه و منطبق شهرها و دهها عیب دیگر، که هر یک در جای خود یک فاجعه است، سخن نمی‌گوئیم.

نوسازی و سالمسازی جامعه ما محتاج بیک بررسی مشخصی نقائمی و معایب، یافتن طرق خردمندانه رفع آنها و انتخاب راه درست تکامل جامعه است.

این راه درست کدام است؟ نظام سرمایه‌داری؟ یا سرمایه‌داری ما را بوابستگی ناگزیر سیاسی و اقتصادی به جهان امپریالیستی نخواهد کشاند؛ حتما خواهد کشاند. آیا سرمایه‌داری مسئله فقر و ثروت، مسئله مصرف تبه‌آمیز را حل خواهد کرد؟ آیا سرمایه‌داری امکان خواهد داد که درآمد ما از نفت و گاز و آهن و مس و دیگر منابع ثروت کشور، صرف ایجاد یک زیر ساز (انفر استروکتور) نیرومند علمی و فنی برای صنعت و کشاورزی و

برای ما این محتوی اساسی است و مهم نیست که این محتوی با چه الفاظی ادا شود و یا به چه اشکالی درآید. شما برای توده‌های مولد حقوق حقه اجتماعی آنها را تأمین کنید و ایران را از یوغ اسارت اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی آشکارو نهان امپریالیستی برهانید، و به عمل خود هر نام پارس یا عربی که میخواهید بدهید.

بقول حافظ، یکی است ترکی و تازی در این معامله حافظ حدیث عشق بیان کن بهر...

ساده‌تر، نقش آن سرکوب جن قشری، طبقه‌ای بسود حزب، نقش طبقه دیگری در جامعه ایران باشد موضعگیری نخستین، موضع گیری مترقی است و از ماهیه انقلاب ضد امپریالیستی وض استنادی ایران سرچشمه گرفته است، زیرا اینکه وظیفه‌ای که برای ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و باید به سر گیرد، پاسداری از مرزهای کش و حفظ تمامیت ارضی کشور است. این وظیفه در طرح قانون اساس هم تصریح شده است.

موضعگیری دوم ارتجاعی است و با ماهیت انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران سرز نیست، زیرا هنوز مانند دور ننگین پهلوی نقش ارتش را بدلاله مداخله در اختلافات عقیدتی احزاب اقتدار و طبقات اجتماعی میدان که ناگزیر میتواند به مقابله مردم و سرکوب آنها بیانجامد از این دو موضعگیری، برداشت نیز نسبت به حق ارتش بدداشتن ایدئولوژی زشی میسر در این مورد به نیست به آقا، که خود را مجاز به منع ارتش به داشتن ایدئولوژی میدان یاد آور شد که هیچ رادع و مانع عملا قادر نیست که ارتش را از تفکر و در نتیجه از گرایش ایدئولوژی یا قبول ایدئولو، معنی باز دارد. نظر میان انسانها هستند در لباس نظام و اندیشه از خصوصیات انسان است ایدئولوژی چیزی نیست جز منظریات و نحوه اندیشه و بر خ نسبت به مسائل اجتماعی و جاه بنابر این دولت هر دولتی - نمیتواند اجازه ندهد که ارتش انسانهایی که در لباس نظام صاحب ایدئولوژی باشند، و اما در باره شرکت ارتش در احزاب سیاسی، در اینجا باید گفت که بر خلاف آن سخنگوی دولت و جنب رئیس دژبان، در تمام کشور، به گفته امیر انتظام «کمونیست نه فقط قبول عضویت احزاب سیاسی از سوی ارتشیان است، بلکه در ارتش این کتو سازمان حزبی وجود دارد، در از کشورهای سرمایه‌داری شرکت ارتشیان در احزاب سیاسی مجاز است. ثابا باید بسا، واقعیت توجه داشت که ارتشهایی مانند ایران، که بر نظام وظیفه تشکیل یافته‌اند، از ارتش، یعنی مشمولان نظام وظ قبل از خدمت زیر پرچم، از قبل نظامی هستند، و که نمیتواند آنها را از شرکت احزاب سیاسی و قبول عضویت احزاب سیاسی منع کند. مشمول خدمت بنا بر این میتواند عضو حزب باشد و بخدمت زیر پرچم خوانده شود و کسی هم نمیتواند را مجبور کند که عضویت در حزب سیاسی لفت کند و وارد سر بلزخانه شود؛ و اگر از اجباری حکمرا گردد، اذ بکلی ظاهری و نه فقط بیضا بلکه مضر خواهد بود، سر بلزخانه را در نظر مشمول زندانی جلوه گر خواهد ساخت که در آن نقش عقاید، با قهر اعمال میگردد و این ضربه سختی به انض معنوی ارتش و در نتیجه ضربه سختی بهمان یکپار و نیز، مندی ارتش خواهد بود که سخنگوی دولت و ر دژبان گویا در صدد ایجاد آ اما در باره نظامیان حرف باید بدو مسئله پاسخ داد: اینکه آیا افسران و درجه د ارتش میتوانند در احزاب شرکت کنند یا نه. دوم این افسران و درجه‌دارانی که از حزب سیاسی معینی هستند، توانند در درون ارتش سازمانی خود را بوجود آورند یا نه.

در پاسخ به سؤال نخست به نظر ما، باید گفت که افراد ارتش باید مانند نظامیان آزادانه بتوانند، در از خدمت، در احزاب شرکت کنند و نیز عضویت احزاب را قبول کنند، در سؤال دوم، نظر ما -

استقلال ایران ایجاب میکند که قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا فوراً لغو گردد

جدی و غیر قابل تمبیر و تفسیر بود. بدینسان امریکا نتوانست قرارداد دو-جانبه‌اش را اجرا کند، و لسی این ابدان معنی نیست که این قرارداد خصلت اسارتگر و مداخله‌گر خود را از دست داده و میتوان الفاء آنرا از امروز به فردا افکند. تا قرارداد دو-جانبه نظامی با امریکا باقی‌است، سیاست خارجی دولت ایران در قید تحمیلات ایسالات متحده امریکا خواهد بود. ارتش ایران، ارتشی مستقل، ملی و خلقتی نخواهد بود. این‌سند ننگین باید پاره شود تا ایران بتواند اعلام کند که کشوری است مستقل، دارای ارتشی مستقل.

لغو قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا حکم انقلاب ضد امپریالیستی ایران است و باید انجام گیرد.

جنبش آزادیبخش ملی باشد، ارتش بکشور ما گمبیل دارد.

اگر دولت امریکا، در جریان اوچگیری انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ما، نتوانست از این «حق» استفاده کند، بدلیل آن بود که اتحاد جماهیر شوروی، از زبان لئونید برژنف در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۷۸، به امپریالیسم هشدار داد که با هرگونه مداخله درامور داخلی ایران، بهر شکلی از اشکال و بویژه مداخله نظامی قاطعانه مخالف است، و این هشدار باش را دولت امریکا نتوانست نادیده بگیرد، زیرا اخطار

آنها، زیر فشار افکار عمومی مجبور خواهد شد که بلادرنکه قرارداد اسارتگر دو جانبه نظامی با امریکا را لغو کنند زیرا قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا قراردادی به تمام معنی اسارتگر و وجود آن خط بطلانی است بر استقلال کشور ما.

این قرارداد به دولت امریکا «حق» میدهد که در برابر «تجاوز مستقیم» و نیز «تجاوز غیر-مستقیم»، «تجاوز خارجی» و «تجاوز داخلی»، یعنی هم در جنگ بین ایران و یک کشور خارجی و هم برای سرکوب «تجاوز داخلی» که همان

قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا، یکنه قرارداد سیاسی- نظامی است که پس از خروج کشور از پیمان سنتو، هنوز بین ایران و یک کشور خارجی باقی‌است. ایران بجز این قرارداد با هیچ کشور دیگری قرارداد سیاسی- نظامی ندارد و اگر کسی بخواهد این قرارداد را با قراردادهای دیگری یک نطق و یا همسنگ قلمداد کند، حداقل به مغلطه‌ای دست یازیده است برای توجیه تمبل و تسامح در الفاء آن.

اگر متن این قرارداد و متن همه دیگر قراردادهائی که ایران با همه دیگر کشورها دارد، منتشر شوند، مردم میتوانند از خصوصیات همه آنها مطلع گردند و خواهند توانست بدرستی قضاوت کنند.

ما اطمینان داریم که اگر دولت متن قراردادها را منتشر کند، فردای روز انتشار

اتحادیه کارخانجات تابعه سازمان گسترش در تبریز شروع بکار کرد

هیئت مؤسس اتحادیه کارخانجات تابعه سازمان گسترش در تبریز، با اکثریت ۵۸ از ۳۲۴ عضو هیئت در تاریخ ۵۸ از ۳۲۴ تشکیل و تصمیمات زیرین اتخاذ گردید:

۱- دو نفر بعنوان دبیر و منشی با توافق آراء انتخاب گردیدند.

۲- سه نفر بصورت کمیته بررسی پیشنهاد اساتمامه جهت جمع آوری پیشنهادهای اعضا و تهیه یک چهارچوب جهت پیشنهاد و تصویب به هیئت مؤسس تا تاریخ ۵۸ از ۳۲۴ انتخاب شدند.

۳- سه نفر بصورت کمیته بررسی شوراها جهت بررسی وضع شورای کارخانجات و یا تشکیل شورا در شرکتی که فاقد شورا هستند و بررسی وضع و تعداد کارخانجات وابسته به سازمان گسترش، در سطح آذربایجان شرقی، با اکثریت آراء انتخاب گردیدند.

بقیه از صفحه ۳

بیان میدارد، وقتی میگوید: «پرسنل نظامی میتوانند عضو احزاب شوند و صاحب ایدئولوژی باشند». هر انسان میتواند صاحب ایدئولوژی باشد و ما در این باره نظامی را مستثنی نکرده‌ایم ولی وقتی در سرپاژخانه جمع شدند و بخدمت اشتغال دارند، باید در زمینه‌های هدفهای ملی و ارتش یکپارچه باشند. همراه با ملت شمشنگی خود را حفظ کنند، زیرا ارتش در اختیار ملت بوده و عالی‌الصول تابع دولتی است که این دولت، مبعوث ملت ایران است.

منطق این گفته‌ها، بنظر ما، درست است، بدینسان که اگر دولت مبعوث ملت ایران باشد، ارتش تابع این دولت خواهد بود، زیرا ارتش ملی و دمکراتیک، همراه با ملت و در اختیار ملت است، برای انجام یک وظیفه و لاغیر: پاسداری از مرزها و حفظ تمامیت ارضی کشور.

نقش ارتش ...

وظیفه ملی (پاسداری از مرزهای کشور و حفظ تمامیت ارضی کشور در برابر تجاوز) و متکی بر دفاع از آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم - یا باصطلاح رئیس ستاد کل «همراهی با ملت» - نوسازی میشود، ایجاد شبکه‌های سازمانی از اعضای احزاب مختلف سیاسی درون پرسنل ارتش، نه مورد نیاز است و نه مقید، ارتش ملی و مردمی ایران - چنین ارتشی باید بوجود آید - می-تواند و باید فارغ از کشمکشهای سازمانهای نظامی احزاب مختلف باشد. بهمین دلیل حزب توده ایران، از زبان دبیر اول کمیته مرکزی حزب اعلام نموده است که «حزب در ارتش ملی و دمکراتیک ایران سازمان بوجود نخواهد آورد».

همین اصل را، رئیس ستاد کل ارتش، با زبان دیگری

مصاحبه «مردم» با رفیق ایرج اسکندری

بقیه از صفحه ۱

جلوگیری از مداخلات امپریالیسم امریکا، یکی دیگر از مظاهر این سیاست انترناسیونالیستی است.

بنابراین روشن است که انترناسیونالیسم حزب بعکس آنچه مخالفان حزب توده ایران و گمراه شدگان تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی تبلیغ میکنند، نه تنها از همین دوستی حزب ما جدا نیست، بلکه عمیقاً از این منشأ سرچشمه میگیرد.

اگر امروز دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، مردم کشور ما و احزاب و گروههای ترقیخواه، از جنبش نجات بخش فلسطین و مبارزات دیگر خلقهای عرب و سایر مبارزات ضد امپریالیستی خلقها درس اسرجهان پشتیبانی میکنند و مورد پشتیبانی و قدردانی مردم و دولت این کشورها قرار نمیگیرند، این یک همبستگی طبیعی در مبارزه علیه امپریالیسم در مقیاس بین‌المللی است و لذا نه تنها در مقابل میهن دوستی و ملی‌بودن آنها قرار نمیگیرد، بلکه لازمه و مکمل آنست. همبستگی انترناسیونالیستی غیر از وابستگی است، زیرا همبستگی بخودی خود مستلزم برابری و استقلال و وابستگی منطقی نافی همبستگی و انترناسیونالیسم است.

حزب توده ایران همواره کوشیده است در سیاست عمومی خود و در مناسباتش با احزاب برادران انترناسیونالیسم را در کنار استقلال حزب و مصالح ملی اعمال نماید و دوستی و همبستگی و ملی‌داری را با انترناسیونالیسم در آمیزد.

س- آزاد کردن شما از سمت دبیر اول کمیته مرکزی چگونه صورت گرفته است؟

آیا در تغییرات در دستگاه رهبری کسی جز خود رهبری دخالت داشته است؟

ج- در یک حزب دمکراتیک قانون حاکم تصمیم جمعی است. هنگامیکه این پیشنهاد در هیئت اجرایی مطرح گردید و اکثریت با آن موافقت نمود، من هم به آن تصمیم پیوستم.

این تصمیم در هیئت اجرایی و سپس در پلنوم کمیته مرکزی حزب گرفته شده است و بغیر از این مراجع، مقام یا ارکان دیگری مداخله نداشته است و نمیتواند داشته باشد.

س- نظر شما درباره دکتر کشاورز و باصطلاح کتاب او درباره حزب چیست؟

ج- چنانکه گفته‌ام کتابی که از جانب دکتر کشاورز انتشار یافته است، قویاً آمیخته به اغراض شخصی، دروغ و جعلیات و تحریف جدی بسیاری از وقایع است. برخی از فاکتورهای تاریخی نیز در این کتاب بصورت ناقص و تحریف شده ذکر شده و بطور کلی این باصطلاح کتاب بمنظور لطمه وارد کردن به حزب و تخطئه برخی از اعضای رهبری حزب عنوان گردیده است.

س- آیا پس از شهریور ۱۳۲۰، مجله دنیا انتشار می‌یافت و آیا رفیق کیانوری مقاله‌ای در این مجله نوشته است مبنی بر اینکه باید «منافع مشروع متفقین در ایران حفظ شود»؟

ج- مجله دنیا بمشابه ارکان سیاسی و تئوریک حزب توده ایران فقط در دوران مهاجرت انتشار یافته و لذا سخن از انتشار چنین مجله‌ای، پس از شهریور ۱۳۲۰، بکلی نادرست است. وظیفه نشریه تئوریک و سیاسی حزب را در آن زمان مجله مردم انجام میداد. بنا بر این انتشار چنین مقاله‌ای از طرف رفیق کیانوری در آن زمان در مجله دنیا منتفی است و گفتن این مطلب در عداد جعلیات بشمار میرود که علیه حزب ساخته و پرداخته شده است.

س- نظر از این، من تاکنون درباره نشر چنین مقاله‌ای با امضاء رفیق کیانوری یا یکی دیگر از اعضای رهبری حزب چیزی نشنیده‌ام و یقین دارم که چون حزب ما چنین نظری نداشته است، لزوماً چنین مقاله‌ای هم در نشریات حزب ما انتشار نیافته است.

س- آیا در مورد سیاست کنونی حزب در هیئت سیاسی، اختلاف نظر وجود دارد؟

ج- سیاست کنونی حزب در مجموع خود مورد تأیید همه اعضای هیئت سیاسی است. طبیعی است که بهنگام مباحثات نظریات و پیشنهادهای گوناگون در اطراف مسائل مشخص مطرح میشود، و لسی سرانجام در نقاط اساسی مشترک توافق حاصل میگردد و خط عمومی سیاست حزب بر آن اساس تنظیم میشود. البته وقوع این قبول مباحثات بهیچوجه بمعنای اختلاف در درون رهبری درباره سیاست کنونی حزب و خط مشی اساسی آن نیست.

س- چرا حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه

مسائل مهم است و این وحدت اندیشه‌ای طبعاً میان همفکران همبستگی ایجاد میکند و لذا آنها را قهرماً پشتیبان هم میسازد. اگر غیر از این باشد، موجب شکفتی است.

پس اگر حزب توده ایران حزب طبقه کارگر، و پیرو ایدئولوژی این طبقه، یعنی مارکسیسم - لنینیسم است، نمیتواند همبسته احزاب دیگر طبقه کارگر و بویژه احزاب کشورهای نفاشده که اکنون در مراحل مختلفه ساختمان جامعه سوسیالیستی قرار دارند و حکومت کارگران و دهقانان را در سرزمین خود مستقر ساخته‌اند و بایشرفتهای اجتماعی شگرف خود در مقیاس بین‌المللی، بیشترین وزنده‌ترین دلایل را برای اثبات صحت عقیده‌ای حزب توده ایران بدست میدهند. در واقع کسی منطقی نمیتواند از حزب توده ایران توقع داشته باشد که نسبت به همفکران انقلابی خود در جهان ابراز همبستگی نکند. چنین توقعی از حزب توده ایران درست بمعنای پیشنهاد نفی ایدئولوژی طبقه کارگر و سلب خصلت طبقاتی آنست.

ولی حزب توده ایران سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران است و فقط تعلق به این کشور دارد و لذا تحقق عقاید انقلابی خود را در درجه اول و بطور مشخص برای استقلال و ترقی ایران، آزادی و سعادت مردم آن ضرور میسازد. حزب ما از آن جهت حزب توده ایران است که عقیده دارد با استقرار سوسیالیسم میتوان برای همیشه ریشه‌های نفوذ امپریالیسم، استعمار و نو استعمار و استیلای آنرا بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور ما قطع کرد و استقلال و آزادی واقعی ایران را تأمین نمود.

در واقع بمنظور ریشه کن ساختن استعمار، فقر و معر و محبت‌های گوناگون توده‌های مردم ایران و ارتقاء واقعی و مستمر سطح زندگی و فرهنگ آنهاست که حزب توده ایران به سوسیالیسم گردیده است. پس عشق واقعی به میهن و علاقه عمیق به استقلال ایران، آزادی، رفاه و ترقی مادی و فرهنگی توده‌های زحمتکش این سرزمین است که علت وجودی حزب توده ایران را تشکیل میدهد. نه پیروی از سیاست‌ها و نظریات کشورهای یا احزاب دیگر.

از سوی دیگر در روزگار ما نبرد سهمگین در مقیاس سراسر جهان، میان سوسیالیسم و امپریالیسم جهان‌نوا، در جریان است. امپریالیسم جهانی، بر سرکردگی امپریالیسم امریکا، دشمن شناخته شده خلقهای جهان، از جمله مردم کشور ما، و ترقی و سعادت آینده بشریت، صلح و امنیت بین‌المللی، استقلال و آزادی خلقها آشکارا در گرو نتیجه این نبرد است. بنا بر این جسای تردید نیست که وجود جامعه کشورهای سوسیالیستی بخودی خود و بطور عینی در جهت آمال همه خلقهایی است که برای رهایی خود از قید امپریالیسم و استعمار نو، علیه سهیونسم، تبعیض نژادی و فاشیسم و بر سرای استقلال و آزادی مبارزه میکنند. امروز هیچ آدم یا حسن نیتی در کشور ما نمیتواند منکر نقش ارزنده‌ای شود که هشدار باش سال گذشته لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جلوگیری از مداخلات امپریالیسم امریکا در امور داخلی ایران و سایر انقلابی آن نمود. این روش انترناسیونالیستی و برادرانه نمونه‌ای از هم عظیمی است که اتحاد شوروی و دیگر دولتهای جامعه سوسیالیستی در روند مبارزات رهایی بخش خلقهای جهان ایفاء کرده و میکنند. اگر به سیر موفقیتهای آمیز جنبش‌های رهایی بخش جهان، بویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم توجه شود، دیده میشود که هیچ حرکت استقلال طلبانه و آزادخواهانه در قاره‌های مختلفه جهان نبوده است که از پشتیبانی برادرانه جامعه کشورهای سوسیالیستی و در پیرویش آنها اتحاد شوروی برخوردار نشده باشد.

در تاریخ مبارزات رهایی بخش کشور ما، کمک‌های ارزنده اتحاد شوروی به استقلال و تمامیت خاک ایران از بدو تأسیس این دولت مقام ویژه‌ای دارد. هیچکس نمیتواند منکر این حقیقت شود که بلافاصله پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، دولت شوروی نه تنها از کلیه امتیازات غارتگرانه که امپریالیسم تزاری بخلق ما تحمیل کرده بود، صرف نظر کرد، بلکه بسا الفاء قرارداد یکجانبه اسارت‌بار ۱۹۰۷ را دایره تقسیم ایران و پشتیبانی فسان از مبارزات مردم ایران علیه قرارداد تحمیلی ۱۹۱۹ و بسا انعقاد قرارداد ۱۹۲۱، استقلال و حاکمیت سیاسی کشور ما را از دستبرد امپریالیسم انگلستان نجات داد و از آن پس نیز علی‌رغم سیاست خصمانه‌ای که رژیم رضای پهلوی و محمد رضا پهلوی، با اشاره امپریالیسم، نسبت با اتحاد

پاکستان شریک توطنه‌های امپریالیستی در خاورمیانه



پاکستان در تلاش برای ورود به باشگاه هسته‌ای

خبرگزاری فرانسه با استناد به مجله جدید انتشار عسری «ایت دیز» (هشت روز)، چار لندن، اعلام کرده که پاکستان در پی این آئینه بس اتمی منفجر خواهد کرد. این هفته نامه که در این باره در فرانسه، آلمان فدرال و هلند تحقیق کرده - که البته بهتر آن میبود از وزارت خارجه یا اینتلجنت سرویس انگلیس تحقیق میگرد - به اصطلاح اطمینان میدهد که پاکستان برای آنکه ورود خود را به «باشگاه اتمی» از دولتهای نریبی پنهان کند به اصطلاح متعمدا این دولتهار افریب داده است. به ادعای این مجله، پاکستان «بدون اطلاع» کشورهای که قصد داشتند مانع ورود او به «باشگاه اتمی» شوند، مواد، تکنولوژی و کارشناسان علمی لازم را برای انجام این کار فراهم آورده است. ولی کیست که نداند فراهم آوردن این وسائل و تدارک انبار هسته‌ای بدون همکاری، اشتراک، نظارت و حتی رهبری کشورهای امپریالیستی برای پاکستان غیر مقدور است.

سیاست آمریکا در خاورمیانه حتی دوستانش را به مخالفت برانگیخته است

بگزارش آسوشیئد پرس، منابع دولتی آمریکا اعلام کردند که دولت کارتر در پی ارزیابی مجدد سیاست این کشور در خلیج فارس تصمیم گرفته است که بمنظور به اصطلاح حفاظت چاههای نفت بر قدرت نظامی خود در این ناحیه بیفزاید.

ناظران اعلام کردند که زبکینو بر ژنرال مشاور کارتر در امور امنیت ملی و هارولد براون وزیر دفاع آمریکا در اجلاس که برای بررسی سیاست آمریکا در ناحیه خلیج فارس در کاخ سفید تشکیل شده بود شرکت جسته بودند. از طرف دیگر ژنرال برنارد راجرز رئیس ستاد ارتش آمریکا اعلام کرده است که قصد دارد یک نیروی ضربتی ۱۱۰۰۰ نفری تشکیل دهد که قادر است سریم در مناطق حساس مورد نظر مداخله کند. منابع وابسته به پنتاگن اعلام کردند که یکی از واحدهای این نیروی ضربتی به مناطق نفتخیز خلیج فارس اعزام خواهد شد.

لکن هلموت اشمیت صدراعظم جمهوری فدرال آلمان در مصاحبه‌ای با نشریه جرزاله پست، چاپ اسرائیل با نظرات اطرافیان کاخ سفید درباره اشغال نظامی حوزه‌های نفتی خلیج فارس مخالفت کرد و اعلام داشت که چنین اقدامی غیر واقعه‌ایانه است.

بدنبال انتشار خبر تعلیم عناصر خرابکار و آشوبگر از طرف امریکا در خاک پاکستان و اعزام آنها به افغانستان، خبرگزاری ناس اعلام کرده که نیروهای ترقه‌خواه پاکستان مؤکداً خواستار عادی شدن روابط این کشور با افغانستان شده‌اند. به گزارش خبرگزاری شوروی، حزب مردم، حزب ملی و عده‌ای دیگر از سازمانها و گروه‌های سیاسی پاکستان، تبلیغات امپریالیستها و محافل راستگرای پاکستان را در مورد استفاده از مسأله به اصطلاح آوارگان افغانی و گسترش تبلیغات ضد افغانی، در میان مردم پاکستان را محکوم ساختند.

اتحادیه دانشجویان پاکستان حمایت کامل خود را از انقلاب مردم افغانستان اعلام داشت. رئیس اتحادیه دانشجویی پشتونها در مصاحبه‌ای با روزنامه مسلم اعلام کرد که برای نخستین بار در تاریخ افغانستان این فرصت نصیب توده‌های زحمتکش این کشور شده است که از زندگی با لنسبه انسانی برخوردار شوند وی همچنین اعلام داشت که اتحادیه دانشجویان پشتون با عوامل ارتجاعی پاکستان، که دست اندرکار توطئه چینی علیه انقلاب افغانستان هستند شدیداً مبارزه خواهد کرد.

خبرگزاری ناس همچنین گزارش داد که نور محمد تره‌کی رئیس جمهوری افغانستان در اجتماع از رؤسای قبایل و رهبران مذهبی ایالت کونار اعلام کرد که دولت وی از نخستین روز تأسیس جمهوری دموکراتیک افغانستان بر نامه وسیعی را برای ارتقاء سطح زندگی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان، اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و نابودی بقایای فئودالیسم شروع کرد، لکن مخالفان این سیاست که به خارج از افغانستان پناه برده‌اند، چون منافعی چپاولگران خود را در خطر میبینند از این نواحی علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان جنگ آغاز کرده‌اند.

نور محمد تره‌کی همچنین گفت: دشمنان انقلاب افغانستان می‌کوشند تا مانع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور شوند، لکن زحمتکشان افغانستان که برای بار نخست مجال یافته‌اند که خود سر نوشت خویشتن را تعیین کنند در دفاع از سرزمین خود آماده‌اند.

اشمیت هم معتقد است که اسرائیل بسه انزوا کشانده میشود

در مصاحبه با جرزاله پست، صدراعظم جمهوری فدرال آلمان همچنین اعلام کرد که از بروز جنگی جدید در خاورمیانه بیمناک است. وی تأکید ورزید که سیاست مناسبت‌نگین درباره تأسیس آبادیهای یهودی نشین در سرزمینهای عربی باعث خواهد شد که اسرائیل همه دوستان خود را از دست بدهد و بنا بر این این کشور به انزوا کامل کشانده شود. هلموت اشمیت مؤکداً اعلام کرد که اسرائیل راه خطرناکی را در پیش گرفته است.

اصول سیاست خارجی دولت موقت ناروشن است.

وی بطرفی فعال و مثبت، که بگفته آقای وزیر، «طرف دیگر سکه» عدم تمهد است.

این سیاست خارجی، این عدم تمهد، این بیطرفی مثبت و فعال - از نظر وزیر خارجه - مربوط است به مناسبات با ابرقدرتها و خلاصه میشود اولاً عدم شرکت در اتحادیه‌های نظامی از نوع ناتو و ورشو، ثانیاً به عدم «جهت‌گیری» در درگیری‌های قدرتهای بزرگ و ثالثاً به داشتن «روابط خوب با همه آنها».

در اینجا دکتر یزدی «فراموش» میکند که استقلال کشور را باید در مبارزه با نیروی حفظ کرد که مخالف استقلال کشور است. و این نیرو امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکاست، نیز فراموش میکند که، محتوی «عدم تمهد» به خودداری از شرکت در بلوک بندیهای نظامی خلاصه نمیشود. «عدم تمهد» دارای محتوی ضد امپریالیستی، ضد استعماری، ضد نژادپرستی، ضد مناسبات اقتصادی نابرابر است و چرا که کشورهای غیر متعهد اساساً بر این مبانی تشکیل یافته‌اند. وزیر خارجه همچنین کمترین توجهی به این واقعیت ندارد که، در درگیری‌های «ابن قدرتها» نمیتوان جهت‌گیری نکرد. اگر ما طالب استقلال خود و دیگر کشورها و خلیقتها هستیم، اگر ما خواستار حفظ صلح بین‌المللی هستیم، اگر ما بخواهیم - بگفته وزیر خارجه - از مردم محروم، هر کجا هستند، حمایت کنیم، اگر قائل باصل عدم مداخله دولتها در امور داخلی کشورها، قطع نظر از نظام اجتماعی آنها هستیم، ناگزیر در درگیریهای ابرقدرتها میبایستی در برابر «ابر قدرتی» که استلاگر، مداخله‌گر و غارتگر است «جهت‌گیری» کنیم و این «ابر قدرت» امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا است.

خودداری از «جهت‌گیری» وقتی روشن میشود که، دکتر یزدی درباره روابط با ایالات متحده امریکا میگوید که این روابط «بر مبنای تجارت، با این کشور استوار است و تمام کوشش خود را در جهت بهبود آن بکار خواهیم برد»، بدون اینکه صفتی برای این تجارت ذکر کند، بدون اینکه تصریح کند که این

نشینده‌های که...؟

گفت، «این گروه‌های دین و درشت با نام‌های عجیب و غریب، مثل: نگار زمان بیگار در راه نابودی طبقه کارگر، گروه اتحاد برای برآوردن طبقه کارگر، گروه آزادی به خاطر اسارت طبقه کارگر، چه میخواهند؟»

تا کسی را نان تهران چه میخواهند؟

تا کسی را نان تهران اطلاعیه‌ای انتشار داده‌اند که خلاصه‌ای از آنرا در زیر انتشار میدهم. مارانندگان تا کسی بعنوان قشری از زحمتکشان کشورمان، که هیچگاه از حقوق سنی و اجتماعی برخوردار نبوده‌ایم و همیشه تحت سلطه غارتگر تعاونی، که در اس آن عناصر مزدور رژیم سابق قرار داشتند، تحت هر گونه فشاری بوده‌ایم، امروز میخواهیم با استفاده از دستاوردهای انقلاب خونین مان، با ایجاد اتحادیه واقعی و انتخاب نمایندگان واقعی از بین خودمان، به حقوق از دست رفته و قانونی خویش برسیم.

هیئت مؤسس موقت تا کسیرانان تهران، که هدفش تشکیل اتحادیه واقعی تا کسیرانان است، قطعنامه‌ای در ۱۲ ماده انتشار داد، که ما قاطعانه آنرا تأیید میکنیم. مهمترین مواد قطعنامه عبارتست از:

- بیمه بازنشستگی و بیمه درمانی
- ایجاد مسکن مناسب جهت رانندگان که مسکن ندارند.
- ایجاد تعمیرگاهها و فروشگاههای لوازم یدکی
- ایجاد صندوق رفاه
- رسیدگی به امور مالی شرکت تعاونی سابق
- حل مسئله ترافیک با کمک دخالت اتحادیه واقعی تا کسی رانان
- کوتاه نمودن دست واسطه‌ها در خرید و فروش تا کسی
- رسیدگی به امور با اصطلاح اتحادیه رژیم منحل.

تعلل در ریشه کن ساختن عوامل ضد انقلاب، موجب گستاخی مزدوران شاه مخلوع میشود.

روزهای ۹ و ۱۰ خرداد، عده‌ای در خیابان ری، کوچه آشار، با شعار «ای شاه خوبان بوطن

بازگرد» به تظاهر پرداخته بودند، که بوسیله پاسداران پراکنده شدند. روز ۱۳ خرداد، ساعت ۷ بعد از ظهر، یک گروه ۵ نفری در حال عبور از خیابان انقلاب (جلوی دانشگاه تهران) شروع به کردند. ابتدا مردم تهور کردند که این یک شوخی سیاسی است و حتی عده‌ای فکر میکردند، «چاپید شاه» گفته میشود. ولی وقتی متوجه جدی بودن موضوع شدند، با خشم و نفرت در صدر سرکوب مزدوران برآمدند، ولی دیگر در شده بود و مزدوران ناپدید شده بودند.

در همین روز، ساعت ۸/۵ بعد از ظهر، در منطقه فلکه دوم نیروی هوایی (نزدیک کلانتری نیروی هوایی) چند نفر شعار «جاوید شاه» میدادند. مردم آرام آرام گوش بزنگ شدند، ولی صدا پس از مدت کوتاهی خاموش شد. اگر این وقایع را با حملات ساراکی‌های مسلح به پاسداران انقلاب در کنار هم قرار دهیم، آنوقت روشن میشود که تعلل در ریشه کن ساختن عوامل ضد انقلاب، چگونه موجب گستاخی مزدوران شاه مخلوع میشود و تا چه حد این حوادث میتواند خطرناک گردد.

بقیه از صفحه ۱

ما بطرف توسعه یک رابطه پر معنا و برادرانه با کشورهای مسلمان جهان پیش میرود، در اینجا نیز باید یاد آور شد که، کشور مسلمان داریم تا کشور مسلمان. کشور مصر نیز کشور مسلمان است و ما روابط دیپلماتیک خود را با آن قطع کرده‌ایم، زیرا این کشور، درجه امپریالیسم، بر ضد خلق مسلمان فلسطین و حقوق حقه این خلق عمل میکند، لیبی نیز کشور مسلمان است، چون در جبهه ضد امپریالیستی، در جبهه کمک به خلق فلسطین در مبارزه استقلال طلبانه و آزادیخواهانه قرار گرفته و از انقلاب ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه ایران پشتیبانی میکند. ما باید با این کشور مناسبات دوستانه و «یک رابطه پر معنا و برادرانه» داشته باشیم. ما اگر در واقع خواهان استقلال خود هستیم، در جبهه استقلال طلبان بسر ضد استیلاگران و دست نشاندهگان آنها قرار گرفته‌ایم و عملاً نمیتوانیم همان رابطه‌ای را که مثلاً با الجزایر میبایستی داشته باشیم، با اردن و رژیم دست نشانده سلطان قابوس برقرار کنیم. نه فقط بمقاس کشورهای درون هر کشوری نیز مسلمان داریم تا مسلمان، مسلمان مترقی داریم و مسلمان مرتجع. بعد از همین انقلاب پسرورمند ضد امپریالیستی، مسلمانان نظیر علامه وحیدی بدلیل همکاری با رژیم شاه خائن، بحق در دادگاههای انقلابی محکوم باعدام شدند. بدینسان چه در داخل هر کشور و چه در بین کشورها، مرزی از بین مسلمانان نیز میکند، که آنرا در جهت مترقی یا ارتجاع، درجه مستضعفین یا درجه مستکبرین، درجه استقلال طلبان یا درجه امپریالیسم قرار میدهد. سیاست خارجی کشور اگر سیاسی است که بگفته دکتر یزدی «از مردم محروم، هر کجا هستند»، حمایت میکند، عملاً نمیتواند این مرز را نیز نادیده بگیرد. بررسی اجمالی به اصلی که از طرف وزیر امور خارجه دولت موقت، بعنوان اصول سیاست خارجی کشور بیان گردیده، نشان میدهد که این سیاست خارجی حداقل ناروشن است. در حالیکه تدوین مبانی و اصول سیاست خارجی از اهم وظایفی است که در برابر ما قرار گرفته است.

«تجارت» میبایستی بر مبنای عدم مداخله، احترام به حق حاکمیت، برابری حقوق و صرفه متقابل باشد، و حال آنکه - به گفته امام - روابط با امریکا «رابطه ظالم با مظلوم، غارتگر با غارت شده» بوده است و هنوز هم بر همین مبناست. و همین سبب خود آقای دکتر یزدی میگوید که، امریکا میتواند «فردا تمام واردات خود مثل گندم را با ایران قطع کند» و چون سیاست خارجی ما «جهت‌گیری» ندارد، آنگاه - بنظر وزیر خارجه - ممکن است ما نتوانیم از جای دیگر گندم بشیریم و لازم خواهد آمد که شش ماه روزه بگیریم! آیا اینچنین خودداری از «جهت‌گیری»، خود «جهت‌گیری» نیست؟! اصل دوم سیاست خارجی - بگفته وزیر امور خارجه - «با کشورهای جهان سوم و کشورهای در حال توسعه است... ما نمیتوانیم با این کشورها روابط نزدیک و صمیمانه‌ای داشته باشیم... یکی از مشخصات بارز این کشورها اینست که تمام آنها غیر متعهدند... این کشورها تشخیص داده‌اند که شرکت در درگیریهای قدرتهای بزرگ هیچ کمکی به آنها نخواهد کرد».

ما با تمام کشورهای مسلمان است... سیاست خارجی

افسانه نه شرق و نه غرب

تمیز دوست از دشمن از وظایف مهم انقلاب است

اشتباه در تشخیص دوست از دشمن و تمیز متحد از منافق، خطری مهلك برای مبارزان واقعی در بردارد. این خطری است که هم اکنون، به اشکال مختلف، انقلاب مردم میهن ما را تهدید میکند. این خطر بخصوص از آن جهت جدی است که ضد انقلاب و پشتیبانان امپریالیستی آن میکوشند با تبلیغات پر دامنه و حیل‌های رنگارنگ، نیروهای انقلابی را در تشخیص دوست از دشمن گمراه سازند و مبارزه مردم ایران را به بیراهه بکشانند.

زمانی بود که رژیم سرسپرده بهلوی، برای فریب افکار عمومی، مدعی بود که راه شرق را می‌پیماید و نه راه غرب را، همانقدر که از شرق فاصله میکشید، از غرب هم دوری میجوید. این رژیم دست‌نشانده میخواست با این «فصله‌گیری» خود را «مستقل» جا بزند و وابستگی خائنه خویش را به امپریالیسم جهانی، و بویژه به امپریالیسم آمریکا، از نظر مردم مبارز ایران پنهان دارد. این رژیم متفوق برای چشم‌پبندی، گاه در ظاهر نام امپریالیسم و حتی امپریالیسم آمریکا را پیش میکشید تا برای مهم کردن «کمونیسم بین‌المللی» به «مداخله در امور داخلی ایران» دست بازتری داشته باشد. امپریالیسم نیز که بر ماهیت این تبلیغات و هدف این شیفته‌بازیه‌ها بخوبی آگاهی داشت و حتی خودالهام‌گر آن بود، بر این شکر رژیم باریشخندی مودیان و چشم‌پسند تا بید آمیز مینگریست.

امروز توئیسم «چپ»، که در سیمای کویه ما توئیسم تبلور یافته بود، در این بازی مکارانه به یاری امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی میشتافت و با اشاعه یک مشت دروغ درباره کشورهای به اصطلاح «غنی» و «فقیر»، «روستای شرق» و «شهر غرب» و افسانه‌هایی درباره «سویال امپریالیسم» و «دو برابر قدرت»، که برخی از آنها را از خود امپریالیسم بهاریت گرفته بود، همان کاری را میکرد که شاه مخلوع و امپریالیسم اربابش.

این داستان مال دورانی بود که مردم قهرمان ایران در راه سرنگون کردن رژیم شاه مخلوع و برانداختن سلطه امپریالیسم به نبرد خونین برخاسته بودند. اینک که این مرحله از مبارزه را پشت سر نهاده‌ایم، بازگروه‌ها و عناصری یافت میشوند که دوباره باین شیوه‌ها و شکردهای ناروا متوسل میشوند. هر گاه که امپریالیسم ضرت خورده و زخم دیده، با تمام فرومایگی و درندگی خود، در برابر انقلاب ایران قدم برمیکشد و غرب به مداخله آشکار و پنهان در امور داخلی ایران مبادازد و به تحریک و خرابکاری دست میازد، این گروه‌ها و عناصر، برای به میان کشیدن پای کشورهای سوسیالیستی، کلمه «شرق» را نیز، گویی برای تکمیل وزن، به کلمه «غرب» می‌افزایند این گروه‌ها و عناصر چنان عمل میکنند که گویی میان «شرق» و «غرب»، یا کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی، در ارزیابی مبارزه مردم ایران و انقلاب ایران تفاوتی وجود نداشته و ندارد. آیا واقعا چنین است؟

مگر مردم ایران خود پیشم ندیدند و با پوست و گوشت خود احساس نکردند که زمانیکه امپریالیسم، و بخصوص امپریالیسم آمریکا، با جنگ و دندان از رژیم شاه مخلوع دفاع میکرد، کشورهای سوسیالیستی، و بخصوص اتحاد شوروی، به پشتیبانی از مردم مبارز ایران برخاستند؟ مگر زمانیکه آمریکا نیروهای دریایی خود را بسوی سواحل جنوبی ایران گسیل میداشت، لئونید برژنف، با اختطاری قاطع، این امپریالیسم درنده را از مداخله در امور داخلی ایران بر حذر نمیکرد؟ و اکنون که انقلاب مردم ایران بساط رژیم شاه مخلوع را برچیده و ضربات مهلك بریکر امپریالیسم وارد آورده است، این کدام کشور است که به تحریک و خرابکاری در ایران مبادازد و از ضد انقلاب پشتیبانی میکند؟ این «شرق» است یا «غرب»؟

هدف از این منطه چیست؟ نشان دادن «استقلال» در قبال

۲ سال از درگذشت رفیق توده‌ای عبدالحسین ظریفی گذشت



مبارزی از

سوزمین کار،

آتش،

نفت و نبرد

حزب ما، حزب شهدا، حزب قهرمانانی است که جان خود را نثار راه توده‌ها کرده‌اند. پنجم تیرماه، سالروز درگذشت یکی دیگر از این مبارزانست، توده‌ای قهرمانی از جنوب، از سرزمین آتش، نفت، کار و نبرد.

رفیق ظریفی در آستانه بهار ۱۳۱۷، در بندر ریگ، در دامان خانواده‌ای روستایی چشم به جهان گشود. زندگی، چون میلوونها توده رنجبر ایرانی، در رنج گذشت. ۶ ساله بود که در جستجوی نان با خانواده به آبادان رفت. او با رنج توده‌ها بزرگ شد، به راه توده‌ها، به راه حزب طبقه کارگر ایران، به راه حزب توده ایران پیوست پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، رفیق ظریفی خود را در زندان یافت. وقتی آزاد شد، به آرمان حزب خود وفادار بود. بعد از مدتها محرومیت سرانجام توانست به مدارس راه یابد و به تخصص خود بپردازد. رفیق توده‌ای دبیر فیزیک بود در کلاس درس، در بین توده‌ها، که فروتن و ساده همواره با آنها می‌زیست، رفیق ظریفی سوسیالیسم علمی را اشاعه میداد، به رنجبران راه بهروزی آنها را نشان میداد. و این گناهی نبود که رژیم بر کسی ببخشد. رفیق ما، باز خود را در شکنجه گاه یسافت. اسارت پایان گرفت و رفیق آزاد شد. دیگر به او اجازه تدریس ندادند.

رفیق در شرکت گاز خرمشهر در میان رنجبران به کار پرداخت. رفیق، گاه که به محفل «ویت کنکهای کافه نشین» میرفت، با سرخستی تمام از مواضع حزب توده ایران دفاع میکرد و تمام سفسطها و نیرنگها، زرادخانه ایدئولوژیک امپریالیسم و ارتجاع را بر ملا و رسوا میساخت. او سر بلند و تابناک در موضع دفاع از رسالت اندیشه‌های توده‌ای و طبقه کارگر ایران می‌ایستاد. دانش و منطق یولادین و عشق بی‌زوال به توده‌ها، بزرگترین خطرها برای ساواک بود. رفیق با زخم به زندان افتاد. این بار، شکنجه و تبعید و هوای مسموم سیاهچالهای قزل‌قلعه، کمیته و اوین و زندانهای آبادان، بوشهر و شیراز، رفیق را در ۳۹ سالگی به بیماری سل و عفونت ریه مبتلا کرد و سرانجام قسامت پهلوانی او را در پنجم تیرماه ۱۳۵۶ از پای در آورد.

خاطره رفیق قهرمان ما، عبدالحسین ظریفی، که در سنگر حزب توده ایران زخمید، گرامی باد!

شرق و غرب؛ اگر چنین باشد، کاری است بس نادرست و سیاستی است بس زیان بخش. استقلال را با حرف، آنهم حرف واهی، که هدفش سوزاندن خشک و تر با هم باشد، نمیتوان حفظ کرد. باید در عمل مستقل بود. مگر شاه مخلوع با همین حرف‌ها و همین شیوه‌ها نمیخواست که «استقلال» خود را بشوید برساند؟ نسبت دادن کارهای نا کرده به «شرق» و نشان دادن کشورهای سوسیالیستی پشتیبان انقلاب ایران بر روی نیمکت اتهام، در کنار کشورهای امپریالیستی، که واقعا علیه انقلاب ایران به توطئه و خرابکاری مشغولند، چه حاصلی برای انقلاب ما دارد؟ چیز مشوب کردن اذهان، جز شریک جرم تراشدن برای امپریالیسم و جز کاستن از سنگینی بار گناهان و جنایات‌های آن؟ آیا کسانی که با این آسودگی خاطر علامت تساوی میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی رسم میکنند، فکر کرده‌اند که با این کار عملا چه آگاه باشند، چه آگاه نباشند، چه بخوانند، چه نخوانند، به انقلاب مردم ایران زیان میرسانند؟

آیا میان امپریالیسم آمریکا، که بر گوریک مشت‌جانی و خائنی و جاسوس، که بفرمان دادگاههای انقلاب ایران معذور شده و می‌شوند، اشک میریزد و بر انقلاب ایران لجن میپراکند و اتحاد شوروی، که از اقدامات انقلابی این دادگاهها پشتیبانی میکند و از نجات خود را نسبت به واکنش ساواک آمریکا اعلام میدارد، جدا تفاوتی وجود ندارد؟

هر روز، در جریان محاکمات خائنین به میهن و مردم مبارز ما، اسرار و اسناد تکان‌دهنده تازه‌ای حاکی از مداخله «سپا» و «هوساد» در امور داخلی ایران فاش میگردد و پرده از دسیسه‌ها و تبهکاریهای بی‌شمار سفرا و ستا توورها و کارشناسان و کارگزاران امپریالیسم آمریکا در ایران برداشته میشود. کدام سند و مدرکی تاکنون بدست آمده که حاکی از مداخله و خرابکاری «شرق» و «عمال» آن در ایران باشد؟ چرا این گروه‌ها و عناصر، با چنین بی‌مسئولیتی افترا میزنند و کشورهای سوسیالیستی را، که سنگین‌ترین بار مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع را بر دوش دارند، متهم میکنند؟

در کيفرخواستی که از طرف دادستان دادگاههای انقلاب ایران علیه سر تیپ متوجه و جدی تنظیم گردیده، توطئه‌های این جنایتکاران ژنرال تایم، رئیس اداره دوم اطلاعات پنتاگون افشاء شده است. در این کيفرخواست از «تحریف و قلب حقیقت اسلام و انقلاب اسلامی و چهره رهبر انقلاب و کمونیستی جلوه دادن اقدامات و فعالیت‌هایش و وابسته دانستن وی به بیگانه»، سخن رفته و گفته میشود که این تحریف و قلب حقایق علیه انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی، بوسیله همین ژنرال تایم و سر تیپ و جدی، یعنی عمال مزدور امپریالیسم آمریکا انجام گرفته است. آیا کسانی که در تحریف و قلب ماهیت کشورهای سوسیالیستی میکوشند، به این حقیقت تلخ اندیشیده‌اند که با این کار خود، عملا تاسطح این عمال امپریالیسم سقوط میکنند؟

امپریالیسم، برای حفظ منافع نامشروع خود، پیوسته باین نیرنگ‌ها توسل جسته و با گستاخی و بی‌پروائی در خورد خویش به تحریف واقعیت‌ها پرداخته و میپردازد. آیا زمان آن نرسیده است که از دام این نیرنگ‌ها دوری جوئیم و مهمتر از آن، خود از توسل باین نوع نیرنگ‌ها بپرهیزیم؟

چه محافلی شاه مخلوع را به صحنه می‌آورند و هدفشان چیست؟

طی چند روز اخیر که شاه مخلوع، پس از اعمال فشار و توسیه‌های کارگزاران امپریالیسم آمریکا، مانند کیسینجر و راکفلر، و در نتیجه فشارهای دولت آمریکا جهت جلب موافقت دولت مکزیک، از باهاما به مکزیک مسافرت کرده است، محافل امپریالیستی و مطبوعات وابسته به این محافل تلاشهای مصرانه‌ای بکار میبرند تا این مطلب را هر قدر ممکن است برجسته جلوه دهند و افکار عمومی را متوجه آن سازند.

تشکیل مصاحبه مطبوعاتی با حضور شصت نفر از خبرنگاران غربی بشاه مخلوع و سئوالات مطروحه در این مصاحبه از جانب خبرنگاران و پاسنهای شاه مخلوع همه‌تیراه بريك صحنه‌سازی سیاسی: تحریک آمیز است که برنامه آن، با هدفهای مشخص، از جانب امپریالیسم آمریکا از پیش طرح نده است. این صحنه‌سازی بر زمینه و

در ارتباط با تشدید تلاشهای مذبحخانه نیروهای ضد انقلاب و عناصر بازمانده ساواک و طرف داران رژیم متفوق سابق صورت میگردد. فعالیت ضد انقلاب در مناطق مختلف برای ایجاد اغتشاش، ناامنی، حملات مسلحانه به کمیته‌ها و پاسداران انقلاب از جمله حمله اخیر گروه مسلحی از عمال ساواک به زندان شوشتر برای ربودن یکی از همکاران خود، دستبرد های گروه‌های خرابکار پالیزبان و محوری در نواحی مرزی کردستان و کوشتهای آنان برای اجیر کردن افراد خرابکار، فعالتهای پیر ویز تاجاتی معاون ساواک با همکاری سپا و سازمان جاسوسی موساد، در اسرائیل برای استخدام سازماندهی و آموزش آدمکشان حرفه‌ای بمنظور اعزام گروه‌های تروریستی و خرابکار به ایران، همه نمودار برنامه واحدیست که از جانب امپریالیسم

آمریکا تدوین شده است. هدف ازین برنامه امیدوار کردن عمال ساواک و بازمانده‌های رژیم سابق و همه نیروهای ضد انقلاب و تشویق و ترغیب آنان در اقدامات خرابکارانه و همچنین تضعیف مواضع رهبری انقلاب و روحیه انقلابی مردم است. خود نفس همسل تشکیل مصاحبه مطبوعاتی و شرکت شصت نفر خبرنگار پايك شخصی خیانت‌پیشه و خائنی که حکم اعدامش از جانب دادگاه انقلابی صادر اعلام گردیده و نظر خواهی از او بعنوان «شخص مشغول» درباره اوضاع کشور و آینده انقلاب مردم ایران، انقلابی که رژیم سفاک و آدمکش وی را سرنگون ساخته است، از این نقشه شیطانی جدید پرده بر میدارد. حتی در یادای از مطبوعات غرب، از جمله هراکد تریبون، این جانی و همسر فاسدش را، که به اعدام محکوم هستند، هنوز «دشاه» و «ملکه» مینامند و

به پیش و تبلیغ اظهار نظرهای آنها می‌پردازند. هدف از مجموع این اقدامات تحریک آمیز امپریالیسم آمریکا و مطبوعات وابسته به آن، امیدوار نگاهداشتن عناصر و گروه‌های ضد انقلابی و عمال ساواک و رژیم سابق است تا در فرصت مناسب، با استفاده از شرایط بفرنج این برهه از روند انقلاب، ضربت خود را وارد سازند.

شکفت‌انگیز اینکه، در بسیاری از مطبوعات کشورهای غربی، تحلیل و روشن ساختن هدف این صحنه‌سازی، و بجای نشان دادن پیوند آن بر نقشه عمومی امپریالیسم آمریکا بر ضد انقلاب و به خطر انداختن دستاوردهای آن و تهدید استقلال و امنیت میهن ما، عین مطالبی را که در مطبوعات وابسته به امپریالیسم آمریکا منتشر میشود، به خورد خوانندگان میدهند. چنین برخوردی را در لحظات حساس کنونی حداقل نشانه عدم

کتابخانه «مردم» در حال تشکیل است منتظر کمک شما هستیم

دفتر «مردم» در کار تشکیل يك کتابخانه است تا بتواند تسهیلات لازم را برای کار هیئت تحریریه فراهم آورد. از اعضاء، هواداران و دوستداران حزب خواهشمندیم به تحقق این امر لازم و مفید کمک کنند. لطفا کتابهای اهدائی را، از هر نوع و با هر چاپ، به دفتر «مردم» ارسال دارید. اگر تعداد کتب اهدائی زیاد است، زنك بزنید، دفتر «مردم» ترتیب حمل آنرا خواهد داد. با سپاس، «مردم»

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن، ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

حکایت

آورده‌اند که لابیوس را دیدند نالان و گریان و لرزان و هراسان و از بیم جان، دوان و گریزان، پرسیدندش: «چه آفت است که موجب چنین مخافت است؟» گفت: «اعدام آریامهر را، فرمان صادر کردند.» گفتندش که: «ای بله آریامهر را با تو چه مناسبت و تورا با او چه مناسبت؟» گفت: «اگر خلق فلان را بگویند آریامهر است و به دام افتح گرفتار آیم، که را نم‌تخلص من باشد؟ به دادگاه انقلاب رفتن همان و مقصدی الارض شدن همان و تا سادات از آسوان ونهیری از سودان و شاه از مکزیک و کلر از یسکه‌دنیا فرا رسند، من بیچاره هفت کفن پوسانده باشم!»